

الف- درباره نظریه شناخت

کتاب «نظریه شناخت» رودریک چیسلم از کتابهای بسیار معتبر و مهم در عرصه معرفت‌شناسی است. این کتاب که از کتابهای مجموعه «بنیادهای فلسفه»، انتشارات پرینتیس-هال (Prentice-Hall) است تاکنون بارها و بارها تجدید چاپ شده و سه بار هم توسط خود نویسنده بازنویسی شده است. این هرسه ویرایش (1988-1977-1989) خود تقریباً سه کتاب متفاوتند و به خصوص ویرایش دوم و سوم این کتاب بسیار مورد ارجاع و استناداند. نویسنده این کتاب فیلسوفی آمریکایی و از نظریه پردازان طراز اول و صاحب مکتب در معرفت‌شناسی است و آرای او در برخی از حوزه‌های دیگر فلسفی هم (مانند فلسفه دین و فلسفه اخلاق و...) تأثیرگذار بوده است. تاکنون از مجموعه «بنیادهای فلسفه» کتابهای «فلسفه دین» جان هیک، «فلسفه علوم طبیعی» کارل همپل و «فلسفه اخلاق»، فرانکنا به فارسی ترجمه شده‌اند.

محور بحث چیسلم در «نظریه شناخت» یا «نظریه معرفت» بحث توجیه (Justification) است. از این رو تقریباً هیچ بحثی از نظریه ادراک- که حجم وسیعی از ادبیات معرفت‌شناسی معاصر ما را به خود اختصاص داده- در این کتاب نیامده است. نویسنده در مقدمه عمده مسایلی را که قصد بررسی آنها را دارد طرح کرده است، تفاوت معرفت داشتن به امری و باور داشتن به آن در چیست؟ باور صادق یا حدس صائب چه تفاوتی با علم دارند، اگر معرفت باور صادقی است که مابرای آن دلیلی

داریم، ماهیت این دلیل چیست و اعتبار خود این دلیل از کجا می‌آید؟ آیا امری دیگر و دلیل ما بر امری دیگر گواه اعتبار دلیل اول است؟ اگر اینگونه است اعتبار آن دلایلهای دیگر از کجا می‌آید و آیا این سیر قهقراایی حدیقی دارد و درجایی توقف می‌کند یا خیر؟ این نقطه توقف که بنیادهای معرفت ما را شکل می‌دهد از چه تشکیل می‌شود و به چه معنا باید آنها را بنیاد معرفت تلقی کرد؟ ساختار معرفتی که بر چنین بنیادهایی استوار می‌شود چگونه است؟ نسبت توجیه و صدق چیست؟ آیا اگر ما برای باوری دلیل و شاهد و مدرک قابل قبولی داشته باشیم می‌توانیم ادعا کنیم که آن باور صادق است یا خیر؟ بین توجیه و صدق چه رابطه‌ای وجود دارد؟ حقایق عقلانی چیستند؟ حقایق عقلانی همان معارف پیشینی (مقدم بر تجربه) هستند که عقل گرایان بر آنها تأکید بسیار می‌ورزند و آنها را اساس و بنیاد معرفت می‌دانند اما آیا واقعاً چنین حقایقی وجود دارند؟ تقسیم پسین و پیشین تا چه حد معقول است؟ و...

فصل آخر این کتاب «مساله معیار» از مهمترین فصول کتاب و از مباحث مهم معرفت‌شناسی امروز است. دو موضوع مهم در معرفت‌شناسی وجود دارد که به نوعی به یکدیگر وابستگی دارند. تعیین ملاک و معیار معرفت و قلمرو آن. می‌توان گفت ما دو گزینه داریم:

۱) برای تعیین مصادیق معرفت (و در نتیجه قلمرو آن) ماباید معیاری برای تمییز علم از غیر علم داشته باشیم.

۲) برای تعیین معیاری برای تمییز علم از غیر علم ما باید مصادقهای آن را بشناسیم و بر اساس مصادیق معیار جامعی ارایه دهیم.

می‌بینیم که میان این دو گزاره، دور وجود دارد. اما آیا هر دوی این گزاره‌ها درست‌اند؟ یکی از دلایل شکاکان بر عدم امکان معرفت این است که هر دوی این گزاره‌ها درست است. گروه دیگری معتقدند که (۱) درست است و

(۲) غلط. به اینان ضابطه گرا (Methodist) گفته می‌شود. بسیاری از فیلسوفان سنتی (چه عقل‌گرا و چه تجربه‌گرا) ضابطه‌گرا بوده‌اند. مشکل اصلی ضابطه‌گرایی آن است که مشخص نمی‌سازد صحت یا عدم صحت معیار معرفت را چگونه می‌توانیم در یابیم. به استدلال مونتینی - شکاک قرن شانزدهم - توجه کنید «برای داوری میان (کذب و صحت) ظواهر امور ما نیازمند به ضابطه‌ای متمایز ساز هستیم. برای اعتبار این ضابطه، دلیلی موجه ساز می‌خواهیم. اما برای ارزیابی اعتبار این دلیل، نیازمند به ضابطه خاص آن هستیم و بدین گونه گرفتار دوریم».

در برابر ضابطه‌گرایان، مصداق‌گرایان (Particularists) وجود دارند. ادعای مصداق‌گرایان (مانند مورو رید) این است که مصادقهای واقعی معرفت را می‌توان با استفاده از فهم متعارف - و با تکیه بر آن - بدست آورد. چیسلم خود طرفدار رویکرد اخیر است. او در کل کتاب با نظم و دقتی ستودنی و آموختنی و با استفاده از زبان نمادین به بیان تعریفات و طرح مقدمات خاص خود می‌پردازد و پاسخهای خود را، به مسایل طرح شده ارایه می‌دهد. چیسلم در نهایت از یک مبنا‌گرایی تجربی جرح و تعدیل یافته دفاع می‌کند.

ب - درباره برگردان «نظریه شناخت»

اگر همه حسن کتاب چیسلم در نظم، دقت و وضوح آن است، ترجمه این کتاب با کم دقتی انجام گرفته است و از این حیث نمونه‌ای است از یک «برگردان» کامل! نگارنده تقریباً هیچ صفحه‌ای از کتاب را نگشود و آن را با متن اصلی تطبیق نداد مگر آنکه در هر پاراگراف متن خطاهای فاحش بسیار دید. این خطاها و لغزش‌ها نه تنها دقت و وضوح این متن فلسفی را از میان برده‌اند بلکه در بسیاری از موارد معنا و محتوای متن را بالکل برگردانده‌اند. نگارنده برای آنکه قول و مدعای خود را مستند سازد دو قطعه از متن - یک پاره از آغاز و یک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

that I seem to remember having been here before.»

ب. م :

«اما توجیه من در اندیشه شناخت N خود، همان وضع N خواهد بود» مثالی در مورد N میتواند این بیان باشد که هم اکنون در فکر من چیزی آبی به نظر می‌رسد یا اینکه این امر به نظرم برسد که فکر می‌کنم قبلاً این جا بوده‌ام.

ت. ن :

«اما توجیه من برای این گمان که به N علم دارم، صرفاً این واقعیت است که N» نمونه‌ای از N می‌تواند این واقعیت باشد که من گمان دارم اکنون چیزی بر من آبی می‌نماید یا این واقعیت که به نظرم می‌رسد به خاطر می‌آورم قبلاً اینجا بوده‌ام.»

معلوم نیست که چرا مترجم N رابه وضع N ترجمه کرده‌اند و این خطا را بیش از این دوبار دیگر هم تکرار کرده‌اند («مثلاً» توجیه من در مورد این اندیشه که می‌دانم A در وضع B قرار دارد.» که حتی از لحاظ عبارت هم کاملاً بی‌معنی است و ترجمه درست آن این است که «توجیه من برای این گمان که به "A" علم دارم این واقعیت است که "B"» همچنین نگارنده هر چه کوشید نتوانست بفهمد که «در فکر من چیزی آبی به نظر می‌رسد» به چه معناست همچنین مترجم محترم واژه به خاطر می‌آورم را به کلی از ترجمه حذف کرده‌اند در حالیکه مبحث حافظه و تکیه بر حافظه در دست آوردن باورهای مستقیماً واضح (یابه قول مترجم معلوم مستقیم) موضوع بحث مولف است و مولف کاملاً به عمد چنین مثالی را در اینجا آورده است.

۹ و ۱۰ -

« How it is that the foundation serves to support the rest of structure. But this question is difficult to answer, for the support that the foundation

آیا برآن امر دلیلی داریم یا خیر؟»

همین خطا در باب ترجمه whether در دو مورد دیگر در پاراگراف بعدی به همین شکل تکرار شده است.

ش ۴ -

متن :

« Must we say to everything for wick we have evidence that our evidence for that thing consists in the fact that we have evidence for some other thing? »

ب. م : «آیا به این اعتبار می‌توان از چیزی سخن گفت و مدعی شد که برای آن دلیلی داریم و آیا دلیل ما برای آن مساله خود متضمن این حقیقت است که ما در مورد سایر امور نیز دلایلی داریم»

ت. ن :

«آیا ما در باب هرامری که برای آن دلیلی داریم باید بگوییم که دلیل ما بر آن امر عبارت از این واقعیت است که ما برای برخی امور دیگر دلیل داریم؟»

دو خطای اصلی مترجم که در همین پاراگراف و پاراگراف بعدی سه بار تکرار شده است بی‌دقتی در ترجمه in the fact that و ترجمه غلط consist است. مترجم اولی را در سه جای این پاراگراف به «درحقیقت» «درواقع» و «این حقیقت» برگردانده‌اند که ترجمه درست آن «این امر واقع است که» یا «این واقعیت است که» می‌باشد. همچنین ترجمه consist به متضمن بودن که چند بار در این پاراگراف تکرار شده است کاملاً غلط است.

۷ و ۶ -

«(but my justification for thinking that I know that N , is simply the fact that N)».

An example of N might be the fact that I think that something now looks blue to me, or the fact

پاره انتهایی کتاب- را برگزید و خطاهای فاحش آن را تا شماره دهم ثبت کرد که حاصل آن چنین است: قطعه اول (ص ۲۵ تا... ترجمه و ... 1- متن اصلی)

۱ و ۲

متن :

If one man has made a lucky guess (" I would say that it is the seven of diamonds") but doesn't really know

برگردان مترجم:

اگر کسی با خوش گمانی بگوید که «می‌توان گفت که آن شی هفت الماس است»، ولی در واقع علم به آن نداشته باشد .

ترجمه نگارنده :

اگر کسی حدس صائبی زده باشد که «من می‌گویم آن برگ، هفت خشت است» اما در واقع بدان علم نداشته باشد.....

توضیح: در اینجا نویسنده می‌خواهد فرق میان باور صادق و علم را بازگو کند حدس صائب یا حدس موفق از مقوله باور صادق است و هیچ ربطی به خوش گمانی که وضع و حالی روانی است ندارد. مثال مولف هم بر همین اساس نمونه‌ای است از حدس‌های موفق که در بازی ورق زده شده است اما مترجم بدون توجه به معنای متفاوت واژه «diamonds» هفت خشت را هفت الماس ترجمه کرده است.

۳- متن :

«how are we to decide in any particular case whether or not we do have evidence?»

برگردان م :

«چگونه در مورد امری خاص تصمیم می‌گیریم، هر چند دلیلی برآن داشته باشیم یا نداشته باشیم»

ت. ن :

«در هر مورد خاصی چگونه قطع حاصل می‌کنیم که

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نظریه شناخت

رودریک چیسلم

ترجمه: دکتر مهدی دهباشی



نظریه شناخت

رودریک چیسلم

مهدی دهباشی

انتشارات حکمت ، چاپ اول : ۱۳۷۸

gives would seem to be neither deductive nor inductive.»

ب. م

... آن چه نهاد و بنیانی است که مبنای این ساختار (ذهنی) را تأیید می‌کند؟ پاسخ این پرسش مشکل می‌نماید، زیرا مبنای تأیید نه به صورت قیاسی است، نه به صورت استقرایی.

ت. ن:

چگونه این بنیادها به کار تأیید باقی این بنا (ساختار) می‌آیند؟ اما پاسخ گویی به این پرسش دشوار است چه، تأییدی که بنیادها فراهم می‌آورند ظاهراً نه قیاسی است و نه استقرایی.

بقیه متن

That is to say , it is not the kind of support that the premises of a deductive argument give to their conclusion , nor is it the kind of support that the premises of an inductive argument give to their conclusion.

ب. م

«تا آنجایی که می‌توان گفت، مبنای تأیید، همانند مقدماتی که در تأیید نتیجه یک استدلال قیاسی یا مقدماتی که در تأیید یک استدلال استقرایی به کار می‌رود، نیست.»

ت. ن:

یعنی این تأیید نه از نوع تأییدهایی است که مقدمات یک استدلال قیاسی برای نتیجه آن بدست می‌دهند و نه از نوع تأییدهایی است که مقدمات یک استدلال استقرایی برای نتیجه آن فراهم می‌آورند.

به گمانم ادامه شمارش خطاها در این قطعه (که کمتر از دو صفحه متن اصلی را تشکیل می‌دهد یعنی ۱-۲ برای خواننده ملال‌آور باشد بنا بر شمارش سریع

نگارنده در این پنجاه و اندی سطر بیش از سی خطای عمده در ترجمه راه یافته است که تنها به ذکر ده مورد آن بسنده شد. و این به جز معادل‌گذاری‌ها و یا اختلاف سلیقه‌ها است که آنها هم قابل بحث است.

قطعه دوم (۳۰۹ تا... متن ترجمه -...- ۱۲۷ متن اصلی) ۱- متن:

What justification is there for believing that if a man looks and act in such and such a way or if he leaves me with such and such a feeling , then he is either thinking about a horse or he is feeling somewhat depressed.

ب. م:

«در مورد اینکه باور می‌کنیم شخصی چنین و چنان نگاه می‌کند یا اینکه رفتارش چنین و چنان است یا اگر او مرا در برابر چنین و چنان احساسی قرار دهد یا اینکه او در باره اسبی می‌اندیشد یا تا اندازه‌ای افسرده بنظر می‌رسد چه توجیهی داریم؟»

ت. ن:

بر این اعتقاد چه توجیهی وجود دارد که اگر انسانی چنین و چنان به نظر می‌آید و عمل می‌کند یا اگر فلان و بهمان اثر را بر من می‌گذارد پس او یا درباره یک اسب می‌اندیشد یا تا اندازه‌ای احساس افسردگی می‌کند.

۳ و ۲- متن:

this man is now making a gesture of that sort, therefore, in all probability , he is depressed.

ب. م:

«هم اکنون این شخص چنین و چنان حدس می‌زند، در نتیجه او در تمام حالات ممکن و محتمل افسرده است.» که به کلی جمله‌ای بی‌معنی است و ترجمه درست آن این است که:

«این فرد الان دارای ژستی از همان نوع است بنابراین

احتمال کلی می‌رود که او افسرده باشد.»

۴-

For the instances to wich we appeal when we make our induction... presuppose the general type of knowledge - claim we are now trying to justify.

ب. م:

«زیرا نمونه‌هایی که در تشکیل استقرا خود به آنها متمسک می‌شویم... نوع کلی ادعای شناختی را تصور می‌نماید که هم اکنون در توجیه آن سعی داریم.

ت. م:

زیرا مواردی که هنگام استقرا به آن متوسل می‌شویم... آن نوع کلی ادعای شناختی را که ما اکنون تلاش می‌کنیم تا توجیه نماییم مسلم می‌گیرد.

۵- مترجم دو اصطلاح (enumerative indction) و (hypothetical ind) را به ترتیب استقرای خاص و استقرای فرضیه‌ای ترجمه کرده است که باید آنها را به استقرای شمارشی و استقرای شرطی ترجمه کرد.

۶-

... will be put forward as the most likely explanation of certain other things we know...

ب. م: ... می‌تواند بصورت توضیحی در باره امور خاص دیگری که مورد شناخت ما بوده... تلقی گردد.

ت. ن: «محتمل‌ترین تبیین را برای برخی از اشیای دیگر که می‌شناسیم، مطرح می‌کند.»

۷-

How are we to justify this premise if we are not entitled to make use of any information about Jones' depression or thoughts.

ب. م:

«در صورتی که لازم نشود که از اطلاعاتی درباره افسردگی جانز یا افکار او استفاده کنیم چگونه ما این مقدمه را توجیه می‌کنیم.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی



بزرگداشت حکیم عمر خیام

بزرگداشت جهانی حکیم عمر خیام به مناسبت نهمصدمین سال وفات این دانشمند روز ۲۸ اردیبهشت در فرهنگسرای سیمرح تیشابور برپا شد.

در این کنگره که به مدت سه روز و با همکاری سازمان یونسکو، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگ و آموزش عالی، ستاد ملی سال جهانی ریاضیات برپا شد، دکتر مهدی محقق، پروفیسور حسین صادقی، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، دکتر سیداحمد خاتمی، محمد مهدی فولادوند و جمعی از علاقمندان و خیام‌شناسان ایرانی و خارجی حضور داشتند. در این کنگره موضوعاتی چون زندگی، ابعاد گوناگون شخصیت خیام، دستاوردهای خیام در بعد ریاضیات، دیدگاه‌ها و ریشه‌های اندیشه فلسفی خیام، نقد و تحلیل سیمای ادبی خیام، جایگاه خیام در تاریخ علم اسلام و جهان، خیام و نجوم و زینج سلک‌شاهی و تقویم جلالی، سیمای اجتماعی و تاریخی و علمی تیشابور در عصر خیام مورد بحث قرار گرفت.

در مراسم افتتاحیه این کنگره دکتر مصطفی معین وزیر علوم، تحقیقات و فن‌آوری با ارسال پیامی ضمن اظهار خرسندی از برپایی این کنگره یادآور شد: خیام از گویا ترین نمادهای تمدنی، فرهنگی و علمی ما ایرانیان است. خیام از جمله چهره‌های درخشانی است که علیرغم ابهام‌ها در زندگی و اندیشه، او همواره مظهری از توانمندی، زاینده‌گی و گویایی فرهنگ ایرانی بوده است.

در این پیام آمده است: خیام ریاضیدان، خیام منجم، خیام فیلسوف و متکلم و خیام شاعر هریک به تنهایی سرمایه‌ای برای یک فرهنگ به شمار می‌رود. همچنین در این مراسم، کویین شیروما تسورا مدیرکل یونسکو طی پیامی خیام را از مشهورترین شخصیت‌های تمدن اسلامی و ایرانی دانست و اظهار امیدواری کرد که این کنگره با بررسی جوانب گوناگون علمی، فلسفی و ادبی او شرایطی را که فرد می‌تواند در ورای محدودیت‌های جغرافیایی و تاریخی خویش به انسانی جهانی مبدل شود، تعیین کند.

در ادامه این پیام با اشاره به فعالیت‌های خیام در ریاضیات، ستاره‌شناسی، فلسفه و همچنین شعر و آرز نهادن بر آن خاطر نشان شده است: فلسفه خیام که به فلسفه اسلامی تعلق دارد، ریشه از یونان باستان گرفته است.

کارهای ریاضی وی نه تنها ادامه فعالیت‌های ریاضیدانان دوره اسلامی و کلاسیک بوده است، بلکه رساله الجبر وی تا قرن هفدهم در اروپا مورد استناد قرار می‌گرفت.

در این کنگره و در روز افتتاحیه دکتر مهدی محقق، دکتر ژیلبر لازار از فرانسه، دکتر روح‌انگیز کراچی و تنی چند از محققین، دانشمندان ایرانی و خارجی طی سخنانی ابعاد گوناگون علمی و شخصیتی خیام را بررسی کردند.

در دومین روز برگزاری کنگره بین‌المللی بزرگداشت خیام بر صفحه ۵۴

in Verstehen, or intuitive understanding, we have a fruitful source of hypotheses about the mental states of other people ... the intuitionist's point would pertain to justification»

ب. م:

«نقطه نظر شهودگرا صرفاً مربوط به فهم شهودی نیست، ما منبع سودبخشی از فرضیات مربوط به ذهنیات دیگران داریم... نقطه نظر شهودگرا بستگی به توجیه دارد»

ت. ن:

«ادعای شهودگرا صرفاً این نیست که در Verstehen یا «درک شهودی» ما منبع پرثمری برای [یجاد] فرضیاتی در باره حالات ذهنی افراد دیگر داریم... مدعای شهودگرا مربوط به توجیه است»

البته باید گفت که ترجمه این قطعه از قطعه نخست - که سراسر غلط ترجمه شده است - بهتر انجام گرفته است چرا که براساس شمارش سریع نگارنده در حدود صد سطر از متن (سه صفحه متن اصلی 128-130) نزدیک به بیست خطا در برگردان مترجم راه یافته است!! (از این رو متأسفانه باید این کتاب را در قفسه کتابهای غیر قابل خواندن جای دارد و در انتظار ترجمه‌ای دیگر نشست). عجیب این است که این کتاب را ناشری که کار خود را به چاپ آثار فلسفی محدود و منحصر کرده و متولیان آن همه از اهل فلسفه‌اند نشر نموده است (گرچه این تنها نمونه از این دست نیست) گفته‌اند که حسنات الاپوار سینات المقربین اما درباب سینات مقربین چه می‌توان گفت؟

و السلام
* ترجمه‌هایی که در قطعه دوم «ترجمه نگارنده» خوانده شده‌اند به جز مورد آخر، ترجمه جناب آقای مسعود صادقی است که پیش تر فصل آخر این کتاب را در شماره دوم نشریه «تردید» به چاپ رسانده‌اند.

ت. ن:

«اگر مجاز به استفاده از هیچ اطلاعی در باره افسردگی یا افکار جانز نباشیم چگونه این مقدمه را توجیه کنیم!»

مترجم محترم خطای در ترجمه entitled را در جای دیگری هم تکرار کرده‌اند

«در صورتی که از ما نخواهند با مقدماتی استدلال خود را شروع کنیم که...» که ترجمه درست آن این است که «اگر مجاز نباشیم با مقدماتی آغاز کنیم که...»

۸-

« hence , there must be another source - possibly the Verstehen , or «intuitive understanding », of German philosophy and psychology»

ب. م:

«از این رو، باید منبعی دیگر، احتمالاً فهم شهودی یا «فهم مستقیم» از فلسفه و روانشناسی آلمانی وجود داشته باشد.»

ت. ن:

«از این روی باید منبع دیگری باشد - شاید Verstehen یا «درک شهودی» فلسفه و روان‌شناسی آلمانی.»

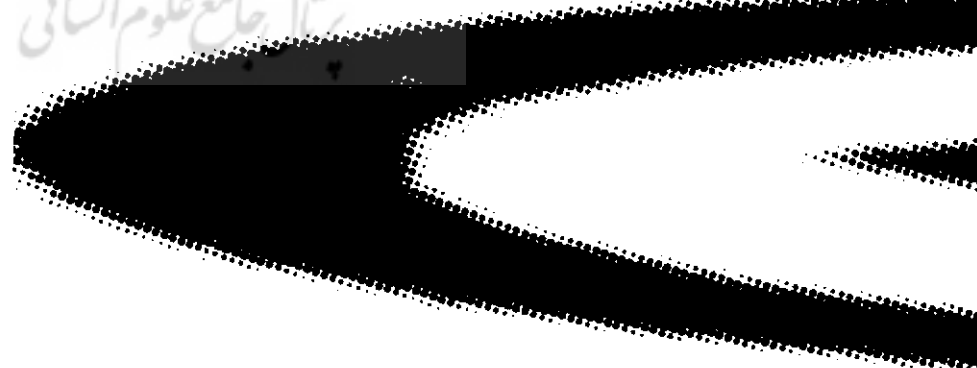
براستی آیا مترجم با خود نیاندیشیده است که «فهم مستقیم از فلسفه و روان‌شناسی آلمانی» به چه کار توجیه علم ما به اذهان دیگر می‌آید!

منظور نویسنده آن بوده است که در اینجا شاید آنچه فیلسوفان و روان‌شناسان آلمانی از آن تحت عنوان «Verstehen» یاد کرده‌اند، مفید واقع شود. هم چنین بهتر بود که این واژه که واژه‌های است آلمانی و در متن اصلی به صورت ایتالیک نوشته شده است، به همان صورت در متن می‌آمد و ترجمه نمی‌شد.

۱۰۹-

« the intuitionist's point would not be merely that

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات و تحقیقات فلسفی



کتاب ماه اسبیت و فلسفه / خرداد ۱۳۷۸